

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۱ دسمبر ۲۰۲۰

مسجد خانه خدا و یا مقر فرمانروائی ملا!

۲

پنجشنبه- ۲۰ قوس ۱۳۹۹ - کابل:

۲- خاتم "حمیدی" و فرمائش:

من در این نوشته آگاهانه به بحث تعلقات استخباراتی خانم "حمیدی" و نقش ایشان در ایجاد و گسترش شبکه های "سیا" در بین زنان و خانواده های قندهاری زیر پوشش "شرکت خامک دوزی" وارد نمی شوم، چه اولاً هموطنان دیگر ما آنقدر در مورد نوشتند که دیگر جایی برای گفتن نمی ماند، در ثانی تکیه بر نقش استخباراتی صرف خانم "حمیدی"، به صورت غیر مستقیم تیرنه سایر جواسیس معنا می دهد. یعنی در حالی که تمام آنهایی که از طرف حاکمیت به حیث عضو کابینه به "ولسی جرگه" معرفی شده اند، همه بدون استثناء از فلتر "سیا" گذشته، هویت آنها حد اقل از طرف "سیا" دوست و بی خطر معرفی شده است، تنها انگشت اشاره را به جانب خانم "حمیدی" بلند کردن، درخت را دیدن و جنگل را کتمان نمودن می باشد.

به نظر من فرمان خانم "حمیدی" با تمام اگر و مگر و اصلاحیه های بعدی آن، در کل از دو جهت می باید مورد مطالعه قرار گیرد، یکی این که شاگردان در مسجد نزد ملا فرستاده می شود و دیگر این که شاگردان با معلم و با نصاب تعلیمی معارف به مسجد فرستاده شوند. به نظر من این دو حالت از اساس و ماهیتاً با هم مغایر و حتا متضاد یک دیگر اند. تا جایی که از نقد های هموطنان ما در مورد بر می آید، تقریباً اکثر قریب به اتفاق نقادان، همان حالت اول را که شاگردان به مسجد نزد ملا و با و یا بدون نصاب تعلیمی معارف فرستاده می شوند، تا در آنجا به وسیله ملا به مثابه اخوانیت و اسلام سیاسی و از آن هم عقب مانده تر، انسان قرون وسطی آموزش ببینند، در استخوان بندی تربیتی اش، برخورد اقتاعی و دموکراتیک اصلاً جایی نداشته باشد تا وقتی بزرگ شد در عین زور گوئی بالای پائنتر از خود، در مواجهه با از خود برتر، منقاد و نوکر بار آمده، چیزی از علم و فرهنگ در ذهنش نداشته باشد. تا جایی که از نقد ها بر می آید، بیشتر هموطنان ما از همین زاویه به بحث نگریسته و خانم "حمیدی" را به چهارمیخ کشیده اند.

در حالی که هرگاه به قضیه دقیقتر نگریسته شود، می تواند خانم "حمیدی" به دستور مغز های متفکر و امنیتی بسیار زیرک و ورزیده، هدف دیگری از این اعزام اطفال نیز داشته باشد. یعنی خانم "حمیدی" خواسته باشد بدین وسیله معلم

یعنی عضوی از معارف جدید را با نصاب تعلیمی معارف و شاگردانش به مسجد بفرستد، یعنی مسجد را از انحصار ملا و از مرکز فرمانروائی ملا بیرون نماید.

در چنین صورتی با در نظر داشت این که تضاد بین معلم و ملا یکی از تضادهائیکست که از چندین دهه بدین سو، یعنی دقیقاً از آغاز معارف عصری در کشور وجود داشته و طی این مدت با فراز و نشیب های چشمگیری نیز همراه بوده است، در مقطعی از تاریخ، در حالی که ملا جایگاهش در روستا ها همکاسگی با پادوان بوده، معلم در صدر دستر خوان لقمه زده است، و بعد ها با احیای مجدد دیو مذهب و اوجگیری هیستری مذهبی، به موازات قدرت گیری ملا، معلم به شدیدترین وجهی مجازات شده، به صدها و هزاران تن از هموطنان ما صرف به "جرم" معلم بودند و آن را همتراز "بی خدائی و الحاد" اعلام داشتند از جانب اخون و اسلام سیاسی و ملا ها به قتل رسیده، زنان آنها را به اسارت برده اند، و امروز ملا قادر شده است، مسجد را به سنگر نفوذ ناپذیری برای خودش تبدیل نماید؛ می باید از خود پرسید که در چنان حالتی برخورد قشر ملا چه خواهد بود؟

یعنی در صورتی که معلم با نصاب تعلیمی خاص خودش، در مسجد صنف درسی اش را دایر نماید و رسماً اجازه یابد تا مرکز قدرت ملا را با وی عجالتاً نصف کند، ملا ها در زمینه چه خواهند گفت؟ آیا بدون مقاومت حاضر به چنین کاری خواهد شد و یا از طریق تحریک مردم، باز هم معلم کشی، رویدست گرفته خواهد شد. هموطنان گرامی!

از آنجائی که در عقب هر تصمیمی که حاکمیت دست نشانده به دستور استخبارات جهانی و منطقه می گیرد، نه تنها هیچ نوع منفعت مردم ما در آن وجود ندارد، بلکه هدف از آن تأمین منافع استعمار و ارتجاع می باشد، با اطمینان می تواند گفت، که تصمیم خانم "حمیدی" نیز چیزی به جز، به قربانگاه فرستادن قشری از معلمان بی پناه و در زیر ساطور جهل ملا قرار دادن آنها نیست.

مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع، جزء لاینفک مبارزه علیه دولت دست نشانده می باشد!

سرکها ما را می طلبند!